



Research Paper

A Numismatic Study on the Reign of Ishaq Ibn Ahmad Samani (301 AH) in Samarqand

Muhammad Amin Saadat Mehr^{*1}, Zohreh Jozi², Sousan Kianzadegan³,

¹ PhD student in Archaeology, Faculty of Art and Architecture, Mazandaran University, Babolsar, Iran.

² Assistant Professor, Department of Archaeology, Faculty of Literature and Humanities, Sistan and Baluchestan University.

³ PhD student in History, Faculty of Literature and Humanities, Ferdowsi University of Mashhad.



10.22080/JIAR.2020.3098

Received:

May/28/2024

Revised:

Aug/11/2024

Accepted:

Sep /11/2024

Keywords:

Ishaq ibn Ahmad,
Numismatics, Samarqand,
Nasr ibn Ahmad,
Samanids.

Abstract

With the assassination of Ahmad ibn Ismail (301-295 AH), a great vacuum appeared in the power of the Samanid Emirate; At this time, the eldest of the Samanid dynasty, Ishaq ibn Ahmad (301 AH) claimed the emirate, and this was while the young son of Amir Ahmad, Nasr ibn Ahmad (331-301 AH) was the legal heir of the Samanid emirate; This caused chaos and internal strife, with the Samarqand Front (led by Ishaq) and the Bukhara Front (led by Nasr supporters) forming, which eventually led to Nasr's victory. Because history books have scattered and varied material on the subject, numismatics can provide valuable information to researchers; Therefore, the main basis of this article is coin data, especially two important coins of Amir Ishaq, which date back to 301 AH. They were built in the city of Samarqand. The main questions of this research are: 1. How can the events of that era be reconstructed using the coins of Amir Ishaq (Samarqand dirhams and dinars minted in 301 AH)? 2. Why is the name of the Abbasid Caliph coined on these coins and what effect did it have on the legal legitimacy of the Ishaq Emirate? This article intends to introduce these important coins, with the approach of perceptual archeology and historical approach to reconstruct and determine the causes of some events with the help of numismatic data along with historical texts. As a result, important unknowns such as: the purpose of minting these coins, information about the minting of coins, and the opinion of the Abbasid Caliphate to the claimants and determine the purpose of minting these coins to show the power of finding and consolidating the power of Ishaq with permission The caliph ruled over part of the Samanid realm, especially Samarqand; Or the caliph of the time initially preferred Isaac to Nasr and approved of his rule.

***Corresponding Author:** Muhammad Amin Saadat Mehr

Address: PhD student in Archaeology, Faculty of Art and Architecture, Mazandaran University, Babolsar, Iran. **Email:** ma.saadatmehr@gmail.com



مقاله پژوهشی

پژوهشی سکه‌شناختی بر دوران امارت اسحاق بن احمد سامانی (۳۰۱ ه.ق.) در سمرقند

محمد امین سعادت مهر^{۱*}، زهره جوزی^۲، سوسن کیان‌زادگان^۳^۱ دانشجوی دکتری باستان‌شناسی، دانشگاه مازندران، بابل‌سر.^۲ استادیار گروه باستان‌شناسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان.^۳ دانش‌آموخته کارشناسی‌ارشد تاریخ، دانشگاه فردوسی، مشهد.

10.22080/JIAR.2020.3098

چکیده

با کشته‌شدن احمد بن اسماعیل (۳۰۱-۲۹۵ ه.ق.)، خلاء بزرگی در قدرت امارت سامانی پدیدار گشت؛ در این اثناء بزرگ خاندان سامانی، اسحاق بن احمد (۳۰۱ ه.ق.) به ادعای امارت برخاست و این درحالی بود که فرزند خردسال امیر احمد، نصر بن احمد (۳۳۱-۳۰۱ ه.ق.) وارث قانونی امارت سامانیان بود؛ این مسئله سبب هرج و مرج و نزاع‌های داخلی گردید، دو جبهه سمرقند (به رهبری اسحاق) و جبهه بخارا (به رهبری طرفداران نصر) شکل گرفت که در نهایت به پیروزی نصر انجامید. از آنجایی که کتب تاریخی مطالب پراکنده و متفاوتی در این باب داشته، علم سکه‌شناسی می‌تواند اطلاعات ارزشمندی را در اختیار محققین قرار دهد؛ پس پایه و مایه اصلی این مقاله را داده‌های سکه‌شناختی، به ویژه دو سکه شاخص از امیر اسحاق تشکیل می‌دهد که به تاریخ ۳۰۱ ه.ق. در شهر سمرقند به ضرب رسیده‌اند. سوالات اصلی این پژوهش عبارتند از: ۱. چگونه می‌توان با استفاده از سکه‌های امیر اسحاق (درهم‌ها و دینارهای ضرب سمرقند به سال ۳۰۱ ه.ق.)، وقایع آن عصر را بازسازی نمود؟ ۲. آوردن نام خلیفه عباسی، به چه علت بر این سکه‌ها نقر شده و چه تاثیری در مشروعیت قانونی امارت اسحاق داشت است؟ این مقاله بر آن است تا علاوه بر معرفی این سکه‌های شاخص، با رویکرد باستان‌شناسی ادراکی و رهیافت تاریخی به بازسازی و مشخص ساختن علل برخی از حوادث با همراهی داده‌های سکه‌شناختی در کنار متون تاریخی بپردازد. در نتیجه مجهولات مهمی نظیر: هدف از ضرب این مسکوکات، اطلاعاتی در باب ضرب سکه‌ها، و نگاه دستگاه خلافت عباسی به مدعیان را مشخص ساخت و معلوم گردانید هدف از ضرب این سکه‌ها نشان دادن قدرت‌یابی و تثبیت قدرت اسحاق با اجازت خلیفه، بر بر بخشی از قلمرو سامانیان، به ویژه سمرقند بوده است؛ و یا خلیفه وقت در ابتدا اسحاق را بر نصر ارجح دانسته و حکومت وی را تأیید نموده است.

دریافت:

۱۴۰۳/۰۳/۰۷

بازنگری:

۱۴۰۳/۰۵/۲۰

پذیرش:

۱۴۰۳/۰۶/۲۰

کلیدواژه‌ها:

اسحاق بن احمد، سکه‌شناسی،
سمرقند، نصر بن احمد،
سامانیان.

* نویسنده مسئول: محمد امین سعادت مهر

آدرس: دانشجوی دکتری باستان‌شناسی، دانشگاه مازندران،
بابل‌سر.

ایمیل: ma.saadatmehr@gmail.com



۱ مقدمه

بیان مسئله: با خلاء ایجاد شده پس از کشته شدن احمد بن اسماعیل در ماه جمادی‌الآخره سال ۵۳۰۱ ق.، جبهه‌ای دوگانه برای امارت‌یافتن تشکیل گردید: جبهه بخارا و نشان دادن فرزند هشت ساله احمد، نصر، و جبهه سمرقند و نشان دادن بزرگ خاندان سامانی، برادر امیر اسماعیل (۲۹۵-۵۲۷۹ ق.)، اسحاق بن احمد؛ که در نهایت این نزاع با ظفریافتن بخاریان بر سمرقندیان، به سود امیر نصر پایان یافت. از آنجاکه اسحاق برای مدتی هرچند کوتاه به امارت پرداخت، به ضرب دینار و درهم‌هایی (ضرب شده سمرقند به سال ۵۳۰۱ ق.) مبادرت نمود؛ پس به دنبال این سکه‌ها در منابع سکه‌شناسی به جستجو پرداخته، تا اطلاعات بیشتری در این باب به دست آید.

با رجوع به کاملترین کتاب در باب مسکوکات اسلامی، یعنی «فهرستواره سکه‌های اسلامی»^۱ اشاره‌ای کوتاه از نظر کمی بدان دو سکه را یافتیم. در دنیای سکه‌شناسی، سکه‌ها از نظر کمیت در هفت رده سکه‌های فراوان (A)، سکه‌های رایج (C)، سکه‌های نسبتاً کمیاب (S)، سکه‌های کمیاب (R)، سکه‌های خیلی کمیاب (RR)، سکه‌های نایاب (RRR) و سکه‌های منحصربه‌فرد (RRRR) طبقه‌بندی می‌شوند <http://db.stevealbu.com/php/rarity.php>؛ این کتاب نیز از نظر کمی، درهم را در طبقه خیلی کمیاب قرار داده و دینار آن را در طبقه نایاب دانسته و تنها نمونه آن را به کتابچه حراجی «ساتبی (سکه‌ها و مدال‌ها)»^۲ ارجاع داده است (Album, 2011: 153; Sotheby's, 25 May. 2000: Lot 430). باستان‌شناس مصری نیز در مقاله‌ای با عنوان «سکه‌های یحیی بن احمد: (اصالت یا تقلید)»^۳ تصویری از نمونه دیگر دینار طلای اسحاق بن احمد، ضرب شده در سمرقند به سال ۳۰۱ ق، آورده که در موزه قطر به

شماره اموال (Inv. 4191) نگهداری می‌شود. (Ramadan, 2014: 14 & 18).

اهداف و ضرورت پژوهش: از آنجا که در هر دوره‌ای پیروز میدان نبرد تاریخ را می‌نگارد، ساده‌اندیشی است که مکتوبات تاریخی را امین بدانیم، پس باید از داده‌های باستان‌شناختی نیز در کنار متون استفاده گردد تا مهر تأیید یا بطلانی بر آنها باشد. در اینجا سکه‌ها را می‌توان سندی ارزشمند و بهترین داده باستان‌شناختی در این باب دانست، زیرا به همان زمان تعلق داشته و مثل سایر کتاب‌ها، با هدف خوانشی مجدد ایجاد نشده‌اند (کیان‌زادگان و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۸۲). بنابراین با توجه به آنکه کتاب‌های تاریخی اطلاعات پراکنده و متفاوتی، به ویژه زمان این رخداد ارایه می‌دهند، این سکه‌ها که در اوج هرج و مرج به ضرب رسیده‌اند، می‌تواند به عنوان سندی ارزشمند در کنار سایر کتاب‌ها و داده باستان‌شناختی قرار گیرد و برخی از نکات تاریک تاریخ این دوره را روشن سازد. پس مسئله کانونی این پژوهش علاوه بر معرفی این سکه‌های شاخص، بر بازسازی و مشخص ساختن علل برخی از حوادث در این بازه زمانی، شکل گرفته است.

پرسش‌های پژوهش: این پژوهش دو پرسش اصلی را در پی دارد: ۱. چگونه می‌توان با استفاده از سکه‌های امیر اسحاق (درهم‌ها و دینارهای ضرب سمرقند به سال ۵۳۰۱ ق.)، وقایع آن عصر را بازسازی نمود؟ ۲. آوردن نام خلیفه عباسی، به چه علت بر این سکه‌ها نقر شده و چه تاثیری در مشروعیت قانونی امارت اسحاق داشت است؟

روش پژوهش: مطالعات سکه‌شناسی نوین بر پایه داده‌های استخراجی از سکه‌ها استوار است و از متون تاریخی برای اثبات مستدل داده‌ها بهره می‌برد، بنابراین رهیافت تاریخی می‌تواند بهترین رویکرد برای پژوهش‌های سکه‌شناختی قرار گیرد. رهیافت تاریخی نیز بازسازی گذشته انسانی بر پایه بررسی

3. Coinage of Yahya bin Ahmed: (The Origin and Imitation)

1. Checklist of Islamic Coins
2. Sotheby's (Coins & Medals)



دیگران، ۱۳۹۹: ۱۷۳-۱۸۸) به انجام رسیده است که هر سه به بررسی سکه‌های این مقطع، پرداخته است.

۳ معرفی سکه‌های ضرب شده در سمرقند به سال ۵۳۰۱ ق.

سکه‌های دوره سامانی مانند سایر دولت‌های همان عصر و گذشته، عمدتاً از طلا (دینار)، نقره (درهم) و مس (فلس) ضرب می‌شد. اوزان دینارهای طلا در دوره سامانی مانند دوره‌های قبل، یعنی پس از اصلاحات عبدالملک بن مروان (۶۵-۸۶ ه.ق.) با دانه‌های گندم (عشیر/گرین) با معادل ۰/۰۶۴ گرم وزن، اندازه‌گیری می‌شد. بدین ترتیب هر دینار طلا برابر با ۶۶ دانه گندم و برابر ۴/۲۳ گرم وزن بود (هینتس، ۱۳۶۸: ۲). متأسفانه وزنی از این گونه دینار در کتابچه حراجی ساتبی نیامده (Sotheby's, 25 May. 2000: Lot 430)، اما دینار مورد مطالعه (شکل ۱) در موزه قطر، وزنی معادل ۴/۵ گرم با اندکی اختلاف نسبت به معیارهای رایج زمان خودش، دارد (Ramadan, 2014: 14).

وزن درهم نقره را با دینار طلا می‌سنجیدند که از نظر وزن قانونی، معادل ده درهم به هفت دینار بود، طوری که وزن هر درهم به ۲/۹۷ گرم می‌رسید. البته در اغلب موارد با وجود صوری بودن نسبت ده به هفت، نسبت دو به سه رایج بود که بدین ترتیب وزن درهم به ۲/۸۲ گرم می‌رسد و سود بیشتری را برای ضربخانه به همراه داشت (هینتس، ۱۳۶۸: ۲). درهم مورد مطالعه (شکل ۲) نیز وزنی معادل ۲/۷۴ گرم به اندک اختلافی با معیار روزگار خود، دارد (Morton & Eden LTD, 20 Oct. 2016: Lot 413).

طرح سکه‌های دوره سامانی مانند سایر سکه‌های حکومت‌های معاصر خود، با تفاوت‌هایی تقلیدی از طرح سکه‌های خلافت عباسی است. در

و تحلیل انتقادی متون تاریخی صورت می‌پذیرد که در نهایت با داده‌های باستان‌شناختی ارزیابی می‌شود و تحلیل نهایی را ارایه می‌کند؛ در اینجا نیز متون تاریخی به‌ویژه منابع دست اول، پایه اصلی پژوهش قرار گرفت. برای مطالعات سکه‌شناسی این پژوهش نیز علاوه بر استفاده از نگاشته‌های تخصصی علمی، از دو پایگاه بزرگ استنادی استفاده گردید؛ در سال ۲۰۰۲ م. «پایگاه اطلاعاتی سکه‌های شرقی»^۱ ایجاد گردید و از سال ۲۰۰۵ م. نیز تارنمای آن ایجاد گردید (<https://www.zeno.ru/>) که از آن پس تعدادی بیشماری از سکه‌های شرقی، به‌ویژه سکه‌های ایرانی در آن بارگذاری می‌شود. در سال ۲۰۱۱ م. نیز «موسسه حراجی سکه‌ها: سکه‌ها، مدال‌ها، و سایر اشیای ارزشمند | سیکس‌بید»^۲ به‌وجود آمد (<https://www.sixbid.com/en/>) که اطلاعات تمامی سکه به‌فروش رفته جهان را با تمامی جزئیات و با قابلیت جستجو، در خود جای داده است.

۲ پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهش جامعی درباره تاریخ و سکه‌شناسی دوره سامانی انجام نگرفته و آنهایی که موجود است خطی و تک بعدی بوده‌اند، یعنی نگاهی فراتر از مسائل تاریخی یا خاص سکه‌شناسی به این محدوده تاریخی نداشته‌اند؛ اما درباره سکه‌های این دوره حساس تاریخی، یعنی سال سکه‌های ۵۳۰۱ ق.، تاکنون سه پژوهش اختصاصی تحت عناوین «تاریخ انتقال حکومت اخسیکت به حاکم تابع سامانی، محمد بن اسد»^۳ (Fedorov, 2008: 361-364)، «پژوهشی بر سکه‌های شاخص از نصر بن احمد سامانی (ضرب شده به سال ۵۳۰۱ ق. در سمرقند)، با خوانشی نو از تاریخ سیاسی آن دوره» (رایگانی و سعادت‌مهر، ۱۳۹۸: ۷۳-۹۲)، و «آغاز امارت اسحاق بن احمد سامانی (۵۳۰۱ ق.) در سمرقند با استناد بر شواهد سکه‌شناسی» (سعادت‌مهر و

6. The Date of The Transition of Akhsikak to the Samanid Appanage Ruler Muhammad b. Asad

4. Oriental Coins Database

5. Numismatic Auctions: coins, medals, and other valuables | Sixbid

(Eshragh, 2010: 204). سکه مورد مطالعه نیز از نظر طرح، همانند سایر سکه‌های هم دوره خود می‌باشد.

آغاز دوره عباسی طرح‌های سکه‌ها بسیار متفاوت و منطقه‌ای بود، اما در سال ۲۰۰ هجری قمری طرح جدیدی برای سکه‌ها در نظر گرفته شد و پس از آن تمام سکه‌ها با طرحی مشابه ضرب شدند (Shams)



شکل ۱: دینار اسحاق بن احمد، سمرقند، ۳۰۱ ه.ق. (Ramadan, 2014: 18)



شکل ۲: درهم اسحاق بن احمد، سمرقند، ۳۰۱ ه.ق. (Morton & Eden LTD, 20 Oct. 2016: Lot 413)

۴ شکل‌گیری جبهه دوگانه قدرت در امارت سامانی

هنگامی که یعقوب لیث (۲۶۵-۲۴۷ ه.ق.) خراسان را گشود و حکومت طاهریان را نابود کرد، المعتمد علی الله (۲۵۶-۲۷۹ ه.ق.) منشور امارت ماوراءالنهر را به نام نصر صادر کرد؛ و چون نصر به منشور خلیفه دست یافت، لشکر خود را به سوی جیحون برد تا از عبور یعقوب جلوگیری کند. سپاه نصر، سردار صفاری را کشت و بقیه لشکر وارد بخارا شدند. امیر بخارا از ترس جان خود، شهر را رها کرد و گریخت. مردم بخارا چند نفر را یکی پس از دیگری امیر کردند و عزل ساختند تا اینکه نصر برادرش، اسماعیل را به بخارا فرستاد و او آنجا را به دست گرفت (ابن اثیر، ۱۳۸۲: ۴۳۴۰-۴۳۳۹؛ ابن خلدون، ۱۳۸۳: ۵۵۱/۳).

و اما نگاشته‌های طرح این سکه‌ها:

- ✓ روی سکه: لله / محمد / رسول الله / المقتدر بالله (نام خلیفه وقت) / اسحق بن احمد (نام امیر محلی).
- ✓ حاشیه: محمد رسول الله ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لوکره المشرکون (قرآن، توبه: ۳۳).
- ✓ پشت سکه: لا اله الا الله وحده / لا شریک له.
- ✓ حاشیه داخلی: بسم الله ضرب هذا الدینار / الدرهم (مبلغ اسمی) بسمرقند (ضرابخانه) سنه احدى و ثلثمائه (تاریخ).
- ✓ حاشیه خارجی: لله الامر من قبل و من بعد و یومئذ یفرح المومنون بنصر الله (قرآن، روم: ۵-۴).



دریافت خبر حرکت سپاه سمرقند به طرف بخارا، آنجا را ترک کرد و به منطقه فرپ حرکت نمود. پس از خروج از بخارا، از رافع کمک خواست (النرشخی، ۱۳۱۷: ۹۸؛ ابن‌اثیر، ۱۳۸۲: ۴۳۴۰/۱۰؛ ابن‌خلدون، ۱۳۸۳: ۵۵۱/۳؛ میرخواند، ۱۳۸۰: ۲۸۱۴/۶)؛ نصر که بخارا را گشوده بود، با شنیدن خبر پیوستن لشکر رافع به لشکر اسماعیل وحشت کرد و تقاضای اعزام نیروهای بیشتری از سمرقند نمود (النرشخی، ۱۳۱۷: ۹۸).

در این موقع، نصر با تسلط بر بخارا و داشتن لشکری بزرگ در منطقه از یک سو و از سوی دیگر پیوستن لشکر رافع به سپاه اسماعیل، اسباب جنگی عظیم را ایجاد کرده بود، اما در این میان، درست زمانی که نصر از همراهی رافع با اسماعیل وحشت‌زده بود، رافع نیز نگران عواقب این درگیری شد. این نگرانی را حمویه‌بن‌علی، سردار باتدبیر سامانی و از دوستان نزدیک اسماعیل در دل او ایجاد کرد. سخنان حمویه برای رافع مؤثر بود و اسباب صلح را فراهم کرد. با پایان یافتن این رویارویی در سال ۲۷۳ ه.ق.، رافع به خراسان، نصر به سمرقند و اسماعیل به بخارا بازگشتند (همان: ۹۸-۹۹؛ ابن‌اثیر، ۱۳۸۲: ۴۳۴۰/۱۰؛ منهاج‌سراج‌جوزجانی، ۱۳۴۲: ۲۰۴/۱-۲۰۵؛ ابن‌خلدون، ۱۳۸۳: ۵۵۱/۳؛ میرخواند، ۱۳۸۰: ۲۸۱۴).

این ناراحتی مانند آتشی در زیر خاکستر ادامه داشت، تا اینکه اندکی بعد در سال ۲۷۵ ه.ق. شعله‌ور شد و دو برادر را فرا گرفت. نصر پس از مدتی خراج را از بخارا مطالبه کرد، اما اسماعیل پرداخت آن خودداری کرد و نصر نامه‌ای به رافع که ضامن خراج بخارا بود فرستاد؛ رافع نیز به اسماعیل پیغام داد و درخواست نصر را به اطلاع او رساند، اما مؤثر واقع نشد. در نتیجه نصر چاره‌ای جز لشکرکشی به بخارا نداشت (النرشخی، ۱۳۱۷: ۱۰۰-۹۹؛ ابن‌اثیر، ۱۳۸۲: ۴۳۴۰/۱۰؛ منهاج‌سراج‌جوزجانی، ۱۳۴۲: ۲۰۴/۱-۲۰۵؛ ابن‌خلدون، ۱۳۸۳: ۵۵۱/۳؛ میرخواند، ۱۳۸۰: ۲۸۱۴).

پس از گذشت مدتی از تسلط کامل اسماعیل بر بخارا، وی بدون اجازه برادرش، نصر، به سمرقند بازگشت و برادر دیگرش، یحیی بن احمد را در امارت بخارا گذاشت. این حرکت او باعث ناراحتی نصر شد، از این رو با اکراه، صاحب‌شرطگی سمرقند را به او سپرد. اسماعیل سیزده ماه در این سمت ماند، تا اینکه امیرنصر بار دیگر تصمیم گرفت او را به بخارا بفرستد. وقتی اسماعیل وارد شهر بخارا شد، مردم آن شهر با آغوش باز به او استقبال آمدند. موقعیت او در آن زمان سخت بود و بخارا وضعیت خوبی نداشت. در ابتدا راهزنان به آن شهر حمله کردند که او با حمایت بزرگان بخارا توانست آنها را دفع کند و حمله دیگری توسط حسین‌بن‌طاهر طایی با سپاهی متشکل از دو هزار جنگجو صورت گرفت که سرانجام با شکست وی پایان یافت (النرشخی، ۱۳۱۷: ۹۶-۹۴).

در آن زمان اسماعیل باید هر سال پانصد هزار درهم از درآمد بخارا را به سمرقند بفرستد، اما به دلیل هزینه‌های دفع راهزنان و حمله طائی، آن پول خرج شد و نتوانست وعده خود را به برادرش ادا کند (همان: ۹۷)؛ از سوی دیگر، اسماعیل با رافع‌بن‌هرثمه (۲۶۸-۲۷۹ ه.ق.) که والی خراسان بود، مکاتبه کرد و درخواست حکومت خوارزم را نمود. عده‌ای مغرض نیز به تهمت بین دو برادر روی آوردند و به گوش نصر رساندند که اسماعیل به کمک رافع، تو را از آن سوی رودخانه بیرون می‌کند (ابن‌اثیر، ۱۳۸۲: ۴۳۴۰/۱۰؛ منهاج‌سراج‌جوزجانی، ۱۳۴۲: ۲۰۴/۱؛ مستوفی‌قزوینی، ۱۳۳۹: ۳۷۷؛ ابن‌خلدون، ۱۳۸۳: ۵۵۱/۳؛ میرخواند، ۱۳۸۰: ۲۸۱۴/۶).

سرانجام امیر نصر که به دلیل عدم تعهد مالی بخارا از برادرش ناراضی بود، همچنین با امارت او بر خوارزم به حکم امیر رافع و سخن‌چینی مغرضان، لشکری برای مقابله با او جمع کرد. زیرا گرفتن امارت خوارزم به فرمان امیر خراسان به معنای پذیرش امارت رافع و خروج از تابعیت امیر ماوراءالنهر نصر است. بدین ترتیب شرایط اجتناب ناپذیر جنگ بین دو برادر در سال ۲۷۲ ه.ق. پدید آمد. اسماعیل با



صحیح نیست و دلیل این ادعا آنکه اسماعیل پس از پیروزی بر برادر بزرگش نصر، اسماعیل در مقابل نصر، خود را از اسب به زمین انداخت، اما اسحاق از اسب پایین نیامد و مورد سرزنش اسماعیل و اهانت اسماعیل قرار گرفت (النرشخی، ۱۳۱۷: ۱۰۱).

اولین اشاره موجود به احوالات اسحاق را سمعانی نوشته است که وی از جانب پدرش، صاحب دیوان مظالم بخارا بوده است (۱۴۰۸: ۲۰۱/۳)؛ اما ذهبی همین موقعیت را از طرف برادرش، اسماعیل نوشته است (۱۴۱۳: ۵۸/۲۳). با توجه به قلمرو سیاسی سامانیان در زمان احمد، مشخص می شود که بخارا تحت نفوذ این امارت نبوده و همانطور که گفته شد در زمان نصر و با تلاش اسماعیل این شهر گشوده شد و در قلمرو سامانیان قرار گرفت. پس گفته سمعانی چندان مورد قبول نیست، اما گفته ذهبی می تواند قابل تایید باشد.

بار دیگر که نام اسحاق در تاریخ آمده، پس از صلح نصر و اسماعیل در اولین درگیری به سال ۲۷۳ ه.ق. است، که در نتیجه این صلح، اسحاق از برادرش، اسماعیل خلعت دریافت می کند. اسحاق بار دیگر در دومین رویارویی نصر و اسماعیل در سال ۲۷۵ ه.ق. ایفای نقش می کند؛ در اولین برخورد، کار برایش سخت شده و به منطقه فرپ عقب نشینی کرده و اسماعیل نبرد را به دست می گیرد، اسحاق را با سپاه خود از شهر فرپ فرا می خواند و جنگ را تا پیروزی ادامه می دهند. سرانجام دو برادر پس از پیروزی، نصر را با احترام به سمرقند باز می گردانند (النرشخی، ۱۳۱۷: ۹۹-۱۰۱).

اسحاق به شهادت مسکوکات در سال ۲۷۸ ه.ق. به امارت فرغانه رسید و در به سال های ۲۷۷-۲۷۸، ۲۸۰، ۲۸۴، ۲۸۷، و ۲۹۰ ه.ق.، و در اوش در سال ۲۸۴ ه.ق. ضرب سکه پرداخته است. ممکن است پس از پیروزی اسماعیل بر نصر، چون برادر دیگرش اسد (۲۵۰-۲۷۰ ه.ق. در فرغانه) در آن جنگ طرف نصر بود (همان: ۹۷ و ۹۹)، اسماعیل به مجازات، احمد بن اسد (۲۷۸-۲۷۰ ه.ق. در فرغانه)، پسرش را که امیر فرغانه بود، خلع و اسحاق را به جای او

در پایان جنگی بزرگ درگرفت و اسماعیل پیروز شد. پس از پیروزی، نصر را نزد برادرش، اسماعیل را آوردند؛ و اسماعیل از این واقعه پوزش خواست، او را با عزت و احترام به سمرقند برگرداند و خود به بخارا بازگشت و خطبه امارت را به نام برادرش خواند (النرشخی، ۱۳۱۷: ۱۰۱-۱۰۰؛ گردیزی، ۱۳۱۵: ۱۴؛ ابن فندق، ۱۳۱۷: ۶۸؛ ابن اثیر، ۱۳۸۲: ۴۳۴۱/۱۰-۴۳۴۰؛ Ibn Zafir al-Azdi, 1991: 334 منهای سراج جوزجانی، ۱۳۴۲: ۲۰۵/۱؛ النویری، ۱۴۲۴: ۲۰۱/۲۵؛ مستوفی قزوینی، ۱۳۳۹: ۳۷۷؛ ابن خلدون، ۱۳۸۳: ۵۵۱/۳؛ میرخواند، ۱۳۸۰: ۲۸۱۴/۶). این جنگ چنان سریع رخ داد که تا رافع برای وساطت به آنجا رسید، با پایان آن مواجه شد (ابن اسفندیار، ۱۳۲۰: ۲۵۲/۱). به این ترتیب نصر، اسماعیل را به ولیعهدی برگزید و دیگر برادران و فرزندان خود را تحت فرمان او قرار داد (ابن فندق، ۱۳۱۷: ۶۸). چهار سال پس از این واقعه، نصر در سال ۲۷۹ ه.ق. در شهر سمرقند درگذشت و اسماعیل، امیر امارت سامانی شد (طبری، ۱۳۶۹: ۶۶۵۰/۱۵؛ النرشخی، ۱۳۱۷: ۱۰۱-۱۰۲؛ Ibn Zafir al-Azdi, 1991: 334 منهای سراج جوزجانی، ۱۳۴۲: ۲۰۴-۲۰۵/۱؛ النویری، ۱۴۲۴: ۲۰۲/۲۵؛ ابن خلدون، ۱۳۸۳: ۵۵۱/۳؛ میرخواند، ۱۳۸۰: ۲۸۱۶). پس از این واقعه بخارا پایگاه اصلی امارت سامانی شد، اما سمرقند نیز به حیات سیاسی خود ادامه داد.

۴/۱ پیشینه امیر اسحاق بن احمد

ابو یعقوب اسحاق بن احمد از فرزندان احمد بن اسد سامانی بود؛ احمد هفت پسر به نام های نصر، اسماعیل، یعقوب، یحیی، اسد، حمید و اسحاق داشت (ابن فندق، ۱۳۱۷: ۶۸؛ ابن الجوزی، ۱۴۱۲: ۳۳۱/۱۲؛ ابن اثیر، ۱۳۸۲: ۴۳۳۹/۱۰؛ النویری، ۱۴۲۴: ۲۰۱/۲۵؛ ابوالفداء، بی تا: ۵۰/۲؛ ابن خلدون، ۱۳۸۳: ۵۵۰/۳؛ القلقشندی، بی تا: ۲۶۰/۲؛ ابن تغری بردی، ۱۳۸۳: ۸۴/۳؛ میرخواند، ۲۸۱۴/۶). بزرگترین آنها نصر بود، اما ترتیب سنی باقی افراد نامشخص است. حاکم نیشابوری اسحاق را برادر بزرگتر اسماعیل دانسته (۱۳۷۵: ۱۰۹) که به نظر نگارنده



گماشت. علاوه بر این باید گفت که پس از مرگ نصر، امارت سمرقند نیز به اسحاق واگذار شد، زیرا در سال ۵۲۸۱ ق. به نام او، در سمرقند سکه فلسی ضرب شده است. در پایان نیز احتمالاً به سال‌های ۲۹۰ یا ۵۲۹۴ ق. اسحاق، امارت بخارا را به پسرش، محمد (به احتمال دوره اول ۲۹۰ یا ۵۲۹۴-۲۹۵ ق. در فرغانه؛ دوره دوم ۲۹۸-۲۹۹ یا ۳۰۱ و یا ۵۳۰۳ ق. در فرغانه) زیرا در اخسیکث به سال ۲۹۴ و ۵۲۹۹ ق. فلس‌هایی به نام او به ضرب رسیده است (Добровольский, 1967: 88; Fedorov, 2004: 121; Album, 2011: 155- 156).

اسحاق همچنان به امارت سمرقند مشغول بود، تا اینکه برادرزاده‌اش، احمد به امارت سامانیان رسید. با روی کار آمدن احمد، عامل گرگان، بارس‌کبیر دست به شورش زد؛ پس احمد مهابی سرکوب او شد. در همین زمان ابراهیم بن زیدویه که از مشاوران احمد بود، از او خواست برای جلوگیری از شورش احتمالی، پیش از هر اقدامی به سمرقند رفته و عمویش اسحاق را دستگیر کند؛ احمد نیز اسحاق را دستگیر کرد و به بخارا فرستاد. سرانجام پس از سه سال، در سال ۵۲۹۸ ق. اسحاق از اسارت رهایی یافت و به امارت در سمرقند و فرغانه بازگشت (گردیزی، ۱۳۱۵: ۱۶-۱۷؛ ابن‌اثیر، ۱۳۸۲: ۴۵۹۸/۱۱ و ۴۶۴۴؛ Ibn Zafir al-Azdi, 1991: 336؛ النویری، ۱۴۲۴: ۲۰۴-۲۰۵؛ ابن‌خلدون، ۱۳۸۳: ۵۵۴-۵۵۵/۳؛ میرخواند، ۱۳۸۰: ۲۸۲۳-۲۸۲۵).

۵ آغاز بی سامانی در قلمرو سامانیان

به قتل رسیدن احمد بن اسماعیل در جمادی‌الآخر سال ۵۳۰۱ ق.، هرج و مرج زیادی در قلمرو سامانیان ایجاد کرد. در این زمان در هر ناحیه‌ای از سرزمین‌های تحت تأثیر سامانیان، فردی صاحب نفوذ در امارت نقش داشت که همین مسأله در نبود امیر احمد، موجب بی‌نظمی حکومت سامانی شد. هنگامی که خبر مرگ احمد به بخارا رسید، وزیر او ابو عبد الله محمد بن احمد جیهانی با کمک بزرگان

شهر، پسر هشت ساله احمد، نصر را به امارت انتخاب نموده، پس امیر جدید را بر دوش گرفتند و به شهر آوردند تا مردم بخارا با او بیعت کنند. در سمرقند مردم با امیر شهر خود، اسحاق بیعت کردند، آنان نصر را کودک می‌دانستند، در حالی که اسحاق بزرگ خاندان سامانی و دارای سابقه سیاسی و درایت نظامی بود (طبری، ۱۳۶۹: ۶۷۸۰/۱۵؛ قرطبی، ۱۳۶۹: ۶۸۲۲/۱۶؛ النرشخی، ۱۳۱۷: ۱۱۱-۱۱۲؛ گردیزی، ۱۳۱۵: ۱۸؛ ابن‌اثیر، ۱۳۸۲: ۴۶۶۱/۱۱؛ Zafir al-Azdi, 1991: 342؛ النویری، ۱۴۲۴: ۲۰۶/۲۵؛ مستوفی‌قزوینی، ۱۳۳۹: ۳۷۹؛ ابن‌خلدون، ۱۳۸۳: ۵۵۵/۳-۵۵۶؛ میرخواند، ۱۳۸۰: ۲۸۲۵/۶). اسحاق با نفوذ فراوانی که در سرتاسر قلمرو سامانیان داشت، پیروان بسیاری پیدا کرد و مترصد روابط با خلیفه بغداد، المقتدر بالله (۲۹۵-۵۳۲ ق.) گردید.

امیر احمد در سال ۵۲۹۸ ق. به محمد بن علی صلوک (۳۰۱-۵۲۹۸ ق. از جانب سامانیان، ۵۳۰۲ ق. از جانب عباسیان) که از طرف سامانیان امارت ری را داشت، امارت طبرستان نیز واگذار گردید. محمد با تصرف طبرستان، مقرری سران آن دیار را قطع کرد و باعث نارضایتی آنان شد. در این هنگام حسن بن علی علوی (۳۰۴-۳۰۱ ق.) ملقب به ناصرکبیر (الناصر الحق یا اطروش)، از این نارضایتی سواستفاده کرده و آنان را علیه محمد تحریک کرد. سرانجام در جمادی‌الآخر سال ۵۳۰۱ ق. تمام طبرستان تسلیم شد، محمد نیز به ری بازگشت (حکیمیان، ۱۳۶۸: ۹۷). پس از آنکه خبر مرگ امیر احمد به محمد صلوک رسید، او نیز نامه‌ای به خلیفه بغداد نوشت و امارت شهر ری را خواست، خلیفه با درخواست او موافقت کرد و ری را به او داد (قرطبی، ۱۳۶۹: ۶۸۲۷/۱۶)؛ در کنار متون تاریخی، دیناری به نام محمد بن علی به همراه نام خلیفه و بدون ذکر نام امیر سامانی به دست آمده که در سال ۵۳۰۲ ق. در محمدیه (ری) به ضرب رسیده است (Album, 2011: 159).



استقلال اندکی قدرت یافتند، برای ابراز وجود و نشان دادن اقتدار خود به ضرب سکه پرداختند (قهرمانی، ۱۳۴۹: ۲۱-۲۲). اما ناگفته نماند که در آن دوره، اجازه خلیفه بغداد لازمه‌ای بایسته برای به ضرب رساندن سکه‌ها بوده است.

همانطور که اشاره شد، هر یک از مدعیان امارت نامه‌هایی به خلیفه تقدیم کرده و خواستار مشروعیت امارت خود شدند. اگرچه خلیفه بغداد می‌توانست نسبت به هر یک از این دو نظر مثبت و دو جانبه داشته باشد، اما به احتمال زیاد ابتدا نسبت به اسحاق نظر مثبت داشته و حاکمیت او را تأیید کرده است، زیرا طبق متون به روز اول محرم ۳۰۲ ه.ق. خبر رسید که نصر، اسحاق را شکست داده و او را اسیر کرده، خلیفه برای نصر خلعت و لوا فرستاد (الهمذانی، ۱۳۷۷: ۱۴؛ ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۱۵۰/۱۳؛ الذهبی، ۱۴۱۳: ۱۴/۲۳؛ ابن تغری بردی، ۱۳۸۳: ۱۸۴/۳)؛ دلیل دیگر اینکه اسحاق در نیمه دوم سال ۳۰۱ ه.ق. شروع به ضرب انواع سکه‌ها در سمرقند کرد (سکه‌های مورد بحث در مقاله) و پسرش منصور که امارت نیشابور را داشت با حمایت پدرش، دینارهایی را در نیشابور به ضرب رسانید (Album, 2011: 153)؛ اما نصر تنها زمانی شروع به ضرب سکه کرد که اسحاق و لشکریانش را در اواخر سال ۳۰۱ ه.ق. شکست داده و سمرقند را گشوده بود (رایگانی و سعادت مهر، ۱۳۹۷: ۸۵).

مدتی پس از تثبیت قدرت در سمرقند، سمرقندیان بر امیر مشروع و مقبول خود، اسحاق گرد آمدند و دیگر حامیان او نیز از نقاط نزدیک به او پیوستند و لشکر بزرگی را تشکیل دادند. اسحاق، صاحب‌شرطه بخارا، عوض‌بن محمد الهلقامی را در سمرقند جانشین خود ساخت (النسفی، ۱۳۷۸: ۶۳۰) و فرماندهی سپاه را به پسرش الیاس سپرد. سپاه سمرقند با اسحاق در نیمه دوم شعبان ۳۰۱ ه.ق. به بخارا رفت. مردم بخارا نیز لشکری به فرماندهی حمویه بن علی، آماده کردند. نبردی در نزدیکی بخارا صورت پذیرفت و در ماه رمضان جنگ شدیدی درگرفت. لشکر اسحاق نتوانست مقاومت

همانطور که اشاره رفت، سایر نواحی قلمرو سامانیان، تحت فرمانروایی افراد متنوع بود که مهمترین آنها: منصور بن اسحاق (۳۰۲-۲۹۸ ه.ق.) در نیشابور (هروی، ۱۳۸۰: ۲۵۴)، احمد بن سهل مروزی (۳۰۱-۳۰۷ ه.ق.) در طارستان (Album, 2011: 153)، حسین بن علی مروودی در هرات (هروی، ۱۳۸۰: ۲۶۱-۲۵۹)، محمد بن اسحاق در فرغانه (Album, 2011: 156)، مظفر بن محتاج یا محمد بن مظفر در چغانیان (هروی، ۱۳۸۰: ۲۹۴)، حسین بن مت در اسپجانب (Album, 2011: 156)، و عراق بن منصور (۳۰۵-۲۸۰ ه.ق) در خوارزم (ibid.: 157) بودند؛ از این رو کرمان و سیستان از اختیار سامانیان درآمد و امیری از سوی خلیفه عباسی، المقتدر بالله در آنها مستقر شد (تاریخ سیستان، ۱۳۱۴: ۳۰۵-۳۰۲؛ ابن اثیر، ۱۳۸۲: ۴۶۶۱/۱۱-۴۶۶۲؛ ابن خلدون، ۱۳۸۳: ۵۵۶/۳). در نهایت یک جبهه دوگانه بر سر امارت‌یابی تشکیل شد، اسحاق سرزمین‌های سمرقند و فرغانه و اسپجانب و هرات و نیشابور را به ائتلاف خود درآورد و سرزمین‌های بخارا و طارستان و خوارزم و چغانیان نیز با نصر بیعت نمودند.

در همین میان، هر یک از مدعیان امارت، اسحاق و نصر، نامه‌هایی به دستگاه خلافت فرستادند و مشروعیت امارت خود را خواستار شدند. اسحاق نامه خود را به عمران مرزبانی سپرد و نصر نیز نامه خود را به همراه حمد بن احمد فرستاد، تا از رسیدن نامه به دست خلیفه اطمینان حاصل کنند. (طبری، ۱۳۶۹: ۲۷۸۰/۱۵؛ قرطبی، ۱۳۶۹: ۶۸۲۲/۱۶؛ Ibn Zafir al-Azdi, 1991: 343).

۶ بازسازی برخی از وقایع به کمک سکه‌های ضرب شده در سمرقند به سال ۳۰۱ ه.ق.

در ابتدا هدف از ایجاد سکه تسهیل مبادلات و داد و ستد بود، اما پس از مدت کوتاهی، سکه به نشانه قومیت، حاکمیت، استقلال و... تبدیل شد. یعنی به محض اینکه جمعیتی نسبتاً متشکل همراه با



چرخه اقتصادی شهر باشد، یعنی ضرابخانه سمرقند مانند سایر شهرها در زمانهای دیگر ضرابخانه‌ای فعال بوده و کارکنان آن به ضرب سکه مشغول بوده‌اند تا نیازهای اقتصادی شهر خود را برطرف سازند، اما این امکان چندان مطلوب به نظر نمی‌رسد. احتمال دوم مربوط به امارت یافتن اسحاق است و همانطور که گفته شد، پس از اینکه مشروعیت امارت خود را از خلیفه وقت گرفت، برای نشان دادن اقتدار خود انواع سکه‌ها را در سمرقند به ضرب رساند و این موضوع می‌تواند یک احتمالی مهم محسوب گردد.

پس از شکست اسحاق، سکه‌هایی با نام نصر به سال ۳۰۱ ه.ق. در سمرقند زده شد (رایگانی و سعادت‌مهر، ۱۳۹۸: ۸۵-۸۶) که احتمال می‌رود این سکه‌ها پس از گشایش سمرقند توسط حمویه بن علی، ضرب شده باشد. یا ضرب این سکه‌ها به وسیله حاکم جدیدی که از طرف دولت بخارا بر سمرقند تعیین شده، ضرب گشته تا خبر پیروزی نصر را اعلام کند. نام عامل جدید سمرقند در تاریخ طبری «فرزند عمرو بن نصر بن احمد» آمده است (طبری، ۱۳۶۹: ۶۷۸۱/۱۵)، اما در تاریخ حلب نام او «عمر بن نصر بن محمد بن اسماعیل» نوشته شده است (العظیمی الحلبی، ۱۴۰۴: ۲۷۹).

۷ نتیجه‌گیری

با به قتل رسیدن احمد بن اسماعیل، دو جبهه متضاد میان امیر اسحاق در سمرقند و طرفداران امیر نصر در بخارا، برای به دست گرفتن قدرت در امارت سامانیان پدید آمد و هرج و مرج گسترده قلمرو سامانیان را فرا گرفت. سرانجام در این نزاع لشکر سمرقند شکست خورده، اسحاق دستگیر شده و در زندان بخارا درگشت و امیر بخارا، نصر، به امارت تمام سرزمین‌های سامانیان رسید. متأسفانه متون تاریخی اطلاعات متفاوت و پراکنده‌ای در اینباره ارائه کرده‌اند، از این رو کشف و معرفی سکه‌های برجسته از آن دوره، توانست مجهولات را کاهش دهد و دید منسجم‌تری را در اختیار محققان قرار دهد. این دو

کند، متلاشی شد و به سرعت به سمت سمرقند عقب‌نشینی کرد (طبری، ۱۳۶۹: ۶۷۸۱/۱۵-۶۷۸۰؛ النرشخی، ۱۳۱۷: ۱۱۲؛ گردیزی، ۱۳۱۵: ۱۹؛ ابن‌اثیر، ۱۳۸۲: ۴۶۶۲/۱۱-۳۴۲؛ Ibn Zafir al-Azdi, 1991: 342-343؛ منهاج‌سراج جوزجانی، ۱۳۴۲: ۲۰۸/۱؛ ابن‌خلدون، ۱۳۸۳: ۵۵۶/۳؛ میرخواند، ۱۳۸۰: ۲۸۲۷-۲۸۲۶).

در ادامه این امر، حمویه لشکر خود را به سمت سمرقند حرکت داد و اسحاق نیز لشکری دیگر آماده کرد، جنگ جدیدی بین آنها در گرفت. این دفعه نیز لشکر بخارا بر سمرقندیان پیروز شد، سمرقند گشوده شد و کشتار بزرگی درگرفت. اسحاق پنهان گشت و حمویه در پی یافتن او بود و الیاس پسر اسحاق نیز به فرغانه گریخت و در آنجا ساکن شد. سرانجام اسحاق از مخفیگاه بیرون آمد و از حمویه امان خواست. حمویه نیز او را دستگیر کرد و به بخارا فرستاد؛ اسحاق چون به بخارا رسید تا هنگام مرگ در صفر ۳۰۲ ه.ق. در قهندز زندانی بود (طبری، ۱۳۶۹: ۶۷۸۱/۱۵؛ النرشخی، ۱۳۱۷: ۱۱۲؛ گردیزی، ۱۳۱۵: ۱۹؛ العظیمی الحلبی، ۱۴۰۴: ۲۷۹؛ السمعانی، ۱۴۰۸: ۲۰۱/۳؛ ابن‌جوزی، ۱۴۱۲: ۱۵۰/۱۳؛ ابن‌اثیر، ۱۳۸۲: ۴۶۶۲/۱۱-۴۶۶۳؛ Ibn Zafir al-Azdi, 1991: 343؛ منهاج‌سراج جوزجانی، ۱۳۴۲: ۲۰۸/۱؛ النویری، ۱۴۲۴: ۲۹۷/۲۵؛ الذهبی، ۱۴۱۳: ۱۴/۲۳ و ۵۸؛ ابن‌خلدون، ۱۳۸۳: ۵۵۶/۳؛ معین‌الفقراء، ۱۳۳۹: ۲۶؛ ابن‌تغری‌بردی، ۱۳۸۳: ۱۸۴/۳؛ میرخواند، ۱۳۸۰: ۲۸۲۷/۶).

در ادامه مطلب فوق، اولین سکه‌هایی که نام اسحاق بر آنها نقر شده، فلس‌های مسی است که بر حاشیه آنها نام امیر اسماعیل که در سال ۲۹۵ ه.ق. در گذشته دیده می‌شود (سعادت‌مهر و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۷۷)؛ اما اولین درهم و دینار مشروع و با نام خلیفه عباسی، در پی رسمی‌شدن امارت در نیمه دوم سال ۳۰۱ ه.ق. در سمرقند به ضرب رسیده است، اما با چه هدفی این سکه‌ها ضرب شده؟ برای پاسخ به این سوال، احتمالی ضعیف و احتمالی قوی وجود دارد؛ اولین احتمال می‌تواند نیاز به سکه در



شهرهای ذی‌نفوذش (سمرقند و نیشابور) به ضرب انواع سکه، به نام خود و خلیفه وقت، المقتدر بالله پرداخت و این در حالی است که مهمترین هدف ضرب سکه در آن عصر، نشان دادن قدرتیابی و تثبیت قدرت صاحب سکه در منطقه بوده است؛ اما بدان تاریخ در بخارا سکه‌ای به نام نصر به ضرب نمی‌رسید و پس از شکست اسحاق در اواخر سال ۵۳۰۱ ق. بود که در سمرقند، دینارها و درهم‌هایی به نام او سکه شد.

سکه نشان دهنده دینار و درهم اسحاق بن احمد سامانی است که در سال ۵۳۰۱ ق. در ضرابخانه سمرقند ضرب شده است.

اما گره اصلی که به واسطه این سکه‌ها گشوده شد، مسئله مشروعیت یافتن طرفین از جانب دستگاه خلافت عباسی بود؛ هرچند که خلیفه بغداد می‌توانست نظر مثبت و دو جانبه‌ای به هر یک از این مدعیان داشته باشد، اما احتمال قریب به یقین بر آن است که خلیفه در ابتدا اسحاق را ارجح دانسته و حاکمیت وی را تأیید نموده باشد، زیرا اسحاق در نیمه دوم سال ۵۳۰۱ ق. در مهمترین



منابع

الذهبی، شمس‌الدین محمد. (۱۴۱۳ق). تاریخ اسلام و وفیات المشاهیر و الاعلام. الجزء الثالث والعشرون. تصحیح عمر عبدالسلام تدمری. بیروت: دارالکتب العربی.

رایگانی، ابراهیم؛ و سعادت‌مهر، محمدامین. (۱۳۹۸). «پژوهشی بر سکه‌هایی شاخص از نصر بن احمد سامانی (ضرب شده به سال ۳۰۱ق در سمرقند)، با خوانشی نو از تاریخ سیاسی آن دوره». در پژوهش‌های علوم تاریخی. شماره ۱۹: صص. ۷۳-۹۲.

سعادت‌مهر، محمدامین؛ کوهستانی‌اندروزی، حسین؛ هاشمی‌زرچ‌آباد، حسن؛ و جوزی، زهره. (۱۳۹۹). «آغاز امارت اسحاق بن احمد سامانی (۳۰۱ه.ق.) در سمرقند با استناد بر شواهد سکه‌شناسی». در پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران. شماره ۲۷: صص. ۱۷۳-۱۸۸.

السمعانی، ابی‌سعد عبدالکریم. (۱۴۰۸ق). الانساب. الجزء الثالث. تصحیح عبدالله عمر البارودی. بیروت: دارالجنان.

طبری، ابوجعفر محمد. (۱۳۶۹). تاریخ الرسل و الملوك (تاریخ طبری). ترجمه ابوالقاسم پاینده. جلد پانزدهم. چاپ سوم. تهران: اساطیر.

العظیمی‌الحلبی، ابوعبدالله محمد. (۱۴۰۴ق). تاریخ حلب. تصحیح ابراهیم زعرور. دمشق: بی‌جا. قرطبی، عریب‌بن‌سعد. (۱۳۶۹). دنباله تاریخ طبری. ترجمه ابوالقاسم پاینده. جلد شانزدهم از تاریخ طبری. چاپ سوم. تهران: اساطیر.

القلقشندي، ابی‌العباس احمد. (بی‌تا). مآثر الانافه فی معالم الخلافة. الجزء الاول. تصحیح عبدالستار احمد فراج. بیروت: عام الکتب.

ابن‌اثیر، عزالدین علی. (۱۳۸۲). تاریخ کامل. جلد دهم و یازدهم. ترجمه حمیدرضا آژیر. تهران: اساطیر.

ابن‌اسفندیار، بهاء‌الدین محمد. (۱۳۲۰). تاریخ طبرستان. جلد اول. تصحیح عباس اقبال، کوشش محمد رضانی. تهران: کلاله خاور.

ابن‌تغری‌بردی، جمال‌الدین یوسف. (۱۳۸۳ق). النجوم الزاهرة فی ملوک مصر و القاهرة. الجزء الثالث. تصحیح احمد زکی العدوی. قاهره: الموسسه المصريه العامه.

ابن‌جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن. (۱۴۱۲ق). المنتظم فی تاریخ الملوك و الامم. الجزء الثاني عشر و الثالث عشر. تصحیح نعیم زرزور، تحقیق محمد عبدالقادر عطا و مصطفى عبدالقادر عطا. بیروت: دارالکتب العلمیه.

ابن‌خلدون، ابوزید عبدالرحمن. (۱۳۸۳). العبر (تاریخ ابن‌خلدون). جلد سوم. ترجمه عبدالمحمد آیتی. چاپ سوم. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

ابن‌فندق، ابوالحسن علی. (۱۳۱۷). تاریخ بیهق. تصحیح احمد بهمنیار. تهران: بنگاه دانش. ابوالفداء، عمادالدین اسماعیل. (بی‌تا). المختصر فی اخبار البشر. الجزء الثاني. قاهره: مطبعه الحسينيه المصريه.

تاریخ سیستان. (۱۳۱۴). تصحیح محمدتقی بهار، کوشش محمد رضانی. تهران: کلاله خاور.

حاکم‌نیشابوری، ابوعبدالله محمد. (۱۳۷۵). تاریخ نیشابور. ترجمه محمد بن حسین خلیفه‌نیشابوری، تصحیح محمد رضا شفیعی‌کدکنی. تهران: آگه.

حکیمیان، ابوالفتح. (۱۳۶۸). علویان طبرستان. چاپ دوم. تهران: الهام.



میرخواند، محمدبن خاوندشاه. (۱۳۸۰). روضه الصفا فی سیره الانبیاء و الملوك و الخلفاء. جلد ششم. تصحیح جمشید کیانفر. تهران: اساطیر.

النرشخی، ابوبکر محمد. (۱۳۱۷). تاریخ بخارا. ترجمه ابونصر احمد القباوی، تلخیص محمدبن زفر، تصحیح محمدتقی مدرس رضوی. تهران: کتابفروشی سنائی.

النسفی، نجم‌الدین عمر. (۱۳۷۸). القند فی ذکر علماء سمرقند. تصحیح یوسف الهادی. تهران: میراث مکتوب.

النویری، شهاب‌الدین احمد. (۱۴۲۴ق). نهایه الارب فی فنون الادب. الجزء الخامس و العشرون. تصحیح عبدالمجید ترجینی. بیروت: دارالکتب علمیه.

هروی، جواد. (۱۳۸۰). تاریخ سامانیان (عصر طلائی ایران بعد از اسلام). تهران: امیرکبیر.

الهمدانی، ابوالحسن محمد. (۱۳۷۷ق). تکمله تاریخ الطبری. تصحیح البرت یوسف کنعان. بیروت: المطبعة الکاثولیکیه.

هینتس، والتر. (۱۳۶۸). اوزان و مقیاس‌ها در فرهنگ اسلامی. ترجمه غلامرضا وره‌رام. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

قهرمانی، ابوالفضل. (۱۳۴۹). «سکه، نشان قومیت و آزادی (۱)». در هنر و مردم. دوره ۸-۹ (۹۲): صص. ۳۵-۲۱.

کیان‌زادگان، سوسن؛ رجایی، سیدجلال؛ مسجدی‌خاک، پرستو؛ و سعادت‌مهر، محمدامین. (۱۳۹۸). «تجزیه عنصری سکه‌های پیروز ساسانی به روش پیکسی (PIXE)، مطالعه موردی: سکه‌های گنجینه پیروزگت کشف‌شده از روستای تیس چابهار». در پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران. شماره ۲۲: صص. ۱۸۱-۱۹۶.

گردیزی، ابوسعید عبدالحی. (۱۳۱۵). زین الاخبار (تاریخ گردیزی). تصحیح محمد قزوینی. تهران: کتابخانه ادب.

مستوفی‌قزوینی، حمدالله بن ابی‌بکر. (۱۳۳۹). تاریخ گزیده. تصحیح عبدالحسین نوایی. تهران: امیرکبیر.

معین‌الفراء، احمدبن محمود. (۱۳۳۹). تاریخ ملازاده (مزارات بخارا). تصحیح احمد گلچین‌معانی. تهران: کتابفروشی ابن‌سینا.

منهاج‌سراج جوزجانی، منهاج‌الدین عثمان. (۱۳۴۲). طبقات ناصری. جلد اول. تصحیح عبدالحی حبیبی. چاپ دوم. کابل: انجمن تاریخ افغانستان.

Album, S. (2011). Checklist of Islamic Coins. Third Edition. Santa Rosa: Stephen Album Rare Coins.

Fedorov, M. (2004). "Farghana under the Samanids (According to the Data of Numismatics)". in Iran. vol. 42. pp. 119-129.

Fedorov, M. (2008). "The Date of The Transition of Akhsikat to the Samanid Appanage Ruler

Muhammad b. Asad". in Iran. vol. 46: pp. 361-364.

Ibn Zafir al-Azdi, Jamal al-Din Ali. (1991). "Akhbar al-Duwal al-Isamiyya". in The Political History of the Samanid State. By W. L. Treadwell. (Ph. D. diss., University of Oxford). pp. 333-352.

Morton & Eden LTD (Coins of the Islamic World). (20 Oct. 2016). Catalogue



- no. 82. London: Morton & Eden LTD.
- Ramadan, A. M. M. (2014). "Coinage of Yahya bin Ahmed: (The Origin and Imitation)". SHEDET (Annual Peer-Reviewed Journal Issued By The Faculty Of Archaeology, Fayoum University). vol. 1(1): pp. 1-19.
- Shams Eshragh, A. (2010). Silver Coinage of the Caliphs. Second Edition. London: Spink & Son LTD.
- Sotheby's (Coins & Medals). (25 May. 2000). London: Sotheby's.
- Добровольский, И. Г. (1967). "Фельсы саманида Асада ибн Ахмада". В Труды Государственного Эрмитажа. том IX: pp.87-88.
- <http://db.stevealbum.com/php/rarity.php>
- <https://www.sixbid.com/en/>
- <https://www.zeno.ru/>